

سمن‌ها، سرمایه اجتماعی و مدارا (مورد مطالعه: سمن‌های فعال جوانان سطح شهر شیراز ۱۳۹۷-۱۳۹۸)

علی عربی^۱
فرانک دالوند^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۸/۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۶

گذار به جامعه ارگانیک، ضرورتی غیر قابل اجتناب برای جوامع امروزی است که سمن‌ها می‌توانند با ایجاد بستر مناسب نهادی و تراکم تعاملات اجتماعی داوطلبانه در این فرایند نقش قابل توجه‌ای را ایفا نمایند. نظریه‌های موجود سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) را در مقام توانمندساز جامعه با برجسته نمودن مفهوم سرمایه اجتماعی یکی از مهمترین مسيرهای دستیابی به مدارا در سطوح مختلف جامعه جهت دستیابی به فضای دموکراتیک تلقی کرده‌اند. طرح مسئله پژوهش حاضر در راستای چنین دیدگاهی صورت پذیرفته و جهت آزمون آن داده‌های مورد نیاز با استفاده از روش پیمایش اجتماعی و ابزار پرسشنامه از جامعه آماری سمن‌های فعال در شیراز منطبق با فهرست اداره کل ورزش و جوانان جمع‌آوری شده است.

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها به وضوح نشان داد که میزان سرمایه اجتماعی و مدارا در تمامی ابعاد، پایین‌تر از سطح متوسط نظری می‌باشند. همچنین رابطه سرمایه اجتماعی با مدارا به لحاظ آماری مورد تایید قرار نگرفت. این یافته‌ها ضرورت پژوهش کیفی را در زمینه تبیین یا توصیف اکتشافی چنین یافته‌هایی به جامعه علمی و سیاست‌گذاران اجتماعی، فرهنگی و سیاسی یادآور می‌شود.

واژگان کلیدی: مدارا، سرمایه اجتماعی، جوانان، سمن و اعتماد

E-mail: A.arabi@scu.ac.ir

۱. استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

جامعه مدنی^۱ مفهومی تقریباً معاصر است و در قرن بیستم به آن دسته از ساختارهای حقیقی و حقوقی اطلاق شد که فضای اجتماعی را آماده کنش‌گری‌های غیرانتفاعی با اهداف عام‌المنفعه در مسیر توسعه کشورها نمودند (فقیهی و پاک‌طینت، ۱۳۸۵: ۱۶). در بیانی توصیفی می‌توان گفت که جامعه مدنی دربرگیرنده کلیت تعاملات اجتماعی در قالب نهادها و سازمان‌های داوطلبانه‌ای است که از حیثه تصرف اداری حکومت خارج بوده و تجسم‌کننده اخلاق‌مداری انسانی، همکاری متقابل، احترام به آزادی، دموکراسی و توسعه باشند (صدوقی، ۱۳۸۰: ۱۶۴ به نقل از فقیهی و پاک‌طینت، ۱۳۸۵: ۱۷).

یکی از اصلی‌ترین نهادها و ساختارهای موجود در جامعه مدنی، سازمان‌های غیردولتی^۲ هستند. اصطلاح سازمان‌های غیردولتی برای اولین بار به شکل خاص توسط «انجمن اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد» در ۲۷ فوریه ۱۹۹۵ به کار گرفته شد. بانک جهانی، سازمان‌های غیردولتی را سازمان‌هایی خصوصی می‌داند که فعالیت‌هایی را در جهت تسکین درد و رنج و افزایش منافع افراد محروم جامعه و حفاظت از محیط زیست، دنبال می‌کنند و خود را متعهد به فراهم آوردن خدمات اساسی اجتماعی و توسعه محلی می‌دانند (بانک جهانی، ۱۹۹۵: ۷). در ایران سازمان‌های غیردولتی با عنوان «سمن» که صورت اختصاری «سازمان‌های مردم نهاد» می‌باشد، مخاطب قرار می‌گیرند.

با نگاهی به منابع و مآخذ مختلف، مشاهده می‌شود که سازمان‌های غیردولتی، انجمن‌های خیریه و حمایتی، اتحادیه‌های کارگری و صنفی، تعاونی‌ها و صندوق‌های کمک‌رسانی (قرض‌الحسنه)، انجمن‌های علمی و تخصصی و حتی احزاب سیاسی و مطبوعات، با تعریفی از نقش و کارکرد هر یک به طور جداگانه از جمله نهادهای جامعه مدنی محسوب شده‌اند (فقیهی و پاک‌نیت، ۱۳۸۵: ۱۶). بیان این نکته اهمیت دارد که نهادهای جامعه مدنی باید بر اساس نوعی توافق و قرارداد متناسب با اهداف اجتماعی‌شان و نه قواعدی تحمیلی توسط ساختارهای رسمی، میان اعضا شکل‌گیرند (شکری زاده، ۱۳۸۷: ۳۶). این در حالی است که در ایران به شکلی تاریخی سمن‌ها در کالبدی سنتی در قالب گروه‌های داوطلب و یاری‌رسان وجود داشته‌اند و با مشخصاتی که اشاره شد، نمی‌توان سابقه طولانی در جامعه ایرانی برای آنها یافت. این تفاوت را می‌توان در تقسیم‌بندی‌هایی که از سمن‌ها ارائه شده است مشاهده نمود که در دو دسته عام قرار می‌گیرند:

الف) سازمان‌های غیردولتی مدرن که تأکیدشان بر کارهای توسعه‌ای است؛

ب) سازمان‌های مبتنی بر جامعه سنتی که بیش‌تر به امور خیریه و اضطراری می‌پردازند.

سمن‌های مدرن در زمینه‌های متنوعی از جمله کودکان، جوانان، زنان، محیط زیست، علم و فناوری، جمعیت و بهداشت، فرهنگی و حقوق بشر فعالیت دارند، و سمن‌های سنتی در چهار گروه مشتمل بر سازمان‌های امداد نیکوکاری، خدمات درمانی، خیریه‌های آموزشی و صندوق‌های خیریه فعال می‌باشند (شکوری، ۱۳۹۰: ۴۱). نکته قابل تاملی که در مورد موضوع پژوهش حاضر باید به آن اشاره نمود، این است که تعاملی دوسویه بین

1. Civil society

2. Non -Governmental Organizations (NGOs)

توسعه جامعه مدنی و مدارای اجتماعی^۱ وجود دارد. در واقع، اگر در جامعه‌ای چگالی روابط اجتماعی با حفظ حداکثر تنوع سنگین شود، سرمایه اجتماعی^۲ روندی تکوینی می‌یابد و می‌تواند مدارای اجتماعی را در جامعه بسط دهد (زود، ۲۰۰۴: ۷۸). این در حالی است که برجستگی مدارای اجتماعی خود زمینه‌ساز تنوع در شکل‌گیری سمن‌ها خواهد بود که می‌تواند عامل تقویت‌کننده تراکم سرمایه اجتماعی اعضای جامعه باشند. بنابراین در صورت پویایی جامعه مدنی در میان اقشار مختلف در امور مربوط به حوزه‌های اجتماعی چون: دین، اقتصاد، بهداشت، رسانه، هنر و ابعاد متنوع فرهنگ می‌توان تضمین کرد که انحصار دولت و گروه‌های خاص وابسته به ایدئولوژی آن، در جامعه شکسته شود و سرمایه اجتماعی حاصل از آن، زمینه مناسبی برای تحقق مشارکت در سازماندهی، مدیریت و اجرا در عرصه‌های گوناگون جامعه فراهم آورد؛ اما در تحقق این چشم‌انداز، نقش «مدارای اجتماعی» در مطالعات و نظریه‌پردازی‌های صورت پذیرفته هم چون حلقه مفقوده تبیین پیامدهای مثبت شکل‌گیری سمن‌ها مورد نظر قرار نگرفته است. بدین ترتیب، اگرچه به شکل عام تکوین جامعه مدنی و به شکل خاص سمن‌ها زمینه مناسبی را برای برساخت تعاملات متقابل چندسویه و در نهایت سرمایه اجتماعی فراهم می‌کنند، اما این اعتماد، همکاری و همدلی هنگامی موثر خواهد افتاد که سبب شکل‌دهی به مدارای اجتماعی گردد.

آن‌گونه که فوکویاما^۳ بیان نموده است، هنجارهای حاصل از سرمایه اجتماعی به طور اساسی باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه باشد (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۱۱) که این به معنای وجود مدارای اجتماعی در جامعه خواهد بود. در این صورت است که اعضای جامعه به مثابه کنشگران فعال اجتماعی، سرمایه اجتماعی خود را به صورت انباشتی تقویت می‌کنند و بستر مناسبی برای تقویت تشکل‌های مدنی ایجاد خواهد شد (روشنفکر و ذکایی، ۱۳۸۵: ۱۳۹) که به فراخور آن اعتماد و همدلی کثرت‌گرایانه در بطن اجتماعات انسانی نمود خواهد یافت.

همدلی و اعتماد بر این مبنای، به معنای احترام گذاشتن به هویت، عقاید و رفتار دیگران و شناسایی حقوق رسمی افراد و گروه‌ها برای داشتن عقاید مخالف است که در واقع با عنوان «مدارای اجتماعی» مورد نظر قرار می‌گیرد (سراج‌زاده و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۲۳).

بنابراین در سطح نظری، سمن‌ها را به عنوان اساس جامعه مدنی، می‌توان عاملی تاثیرگذار بر پدیداری و البته تقویت مدارای اجتماعی قلمداد نمود. مدارای اجتماعی که به لحاظ هنجاری شامل ارزش‌ها و کدهای رفتاری تحمل «دیگران» متفاوت است، تعهدی ضمنی یا صریح در راستای مدیریت مسالمت‌آمیز تفاوت‌ها در میان افراد و اجتماعاتی که در یک فضای عمومی مشترک در تعامل متقابل بایکدیگر هستند می‌باشد (چلپی و امیرکافی، ۱۳۸۳: ۱۱)؛ وضعیتی که می‌توان آن را یکی از ضرورت‌های اساسی توسعه اجتماعی - فرهنگی جامعه در تمام ابعاد آن دانست.

1. Social Tolerance
2. Social capital
3. Francis Fukuyama

در تایید مطالب پیشین، برخی تحقیقات سرمایه اجتماعی را یکی از عواملی دانسته‌اند که باعث ارتقای مدارا نسبت به دیگران می‌شود؛ بدین معنی که افراد، زمانی که در شبکه‌های اجتماعی مختلف قرار می‌گیرند و تحت تاثیر هنجارهای موجود در این شبکه‌ها با اقوام، مذاهب و اندیشه‌های متفاوت برخورد می‌کنند، به نسبت زمانی که در این گونه شبکه‌های اجتماعی شرکت نمی‌کنند و تحت تاثیر هنجارهای موجود در شبکه‌ها قرار نمی‌گیرند، نگرش مداراجویانه تری نسبت به این گونه تفاوت‌ها نشان می‌دهند (شارع پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۶-۶۷). هم‌گام با این تحقیقات، در تحقیق حاضر فرض را بر این گرفته‌ایم که کنشگران اجتماعی با قرار گرفتن در سمن‌ها، تحت تاثیر شبکه تعاملات موجود در آن‌ها با اقوام، مذاهب و اندیشه‌های متفاوت در کنش پیوسته قرار خواهند گرفت و این امر سبب پدیدار شدن رفتار مداراجویانه تری نسبت به این گونه تفاوت‌ها خواهد شد. بر همگان آشکار است که ایران به لحاظ قومی، مذهبی، زبانی و فرهنگی کشوری متنوع است و این به معنای تفاوت افراد جامعه با یکدیگر می‌باشد؛ تفاوتی که به علت باور به ذاتی بودن آن، در واقعیت جامعه ایرانی، آبهستن تنش و خصومت در ابعاد مختلف قرار گرفته است. از سوی دیگر، قرار داشتن در مرحله فرسایشی گذار از سنت به آن چه «جهان مدرن» نامیده می‌شود، خود سبب تشدید شکاف‌های اجتماعی و هویتی شده است و در غیاب ساختارهای مدنی در جامعه برای تبدیل تعاملات گسسته این تفاوت‌ها به تعاملات پیوسته، می‌تواند منجر به فروپاشی انسجام و نظم اجتماعی گردد.

لذا مطالعه سازمان‌های مردم‌نهاد با تاکید بر نقش سرمایه اجتماعی در پدیدار شدن مدارای اجتماعی در جامعه به عنوان عامل انسجام‌بخش فرآیند توسعه در ارتباط با جامعه ایران ضرورتی روش‌شناختی می‌یابد؛ ضرورتی که بر مبنای آن پژوهش حاضر سعی نموده با تاکید بر قشر جوان جامعه به مطالعه آن بپردازد. لذا هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی با ابعاد مدارای اجتماعی در میان اعضای سمن‌های فعال در سطح شهر شیراز می‌باشد.

پیشینه پژوهش

در مرور پیشینه‌های مرتبط با موضوع تحقیق، مطالعات بسیاری مورد بررسی قرار گرفتند که از میان آنها نزدیک‌ترین تحقیقات به لحاظ موضوعی و محتوایی جهت مدیریت حجم مقاله و دسترسی مطلوب‌تر به پیشینه‌های داخلی با تاکید بر اصلی‌ترین یافته‌های آنها در جدول ۱ ارائه شده‌اند:

جدول ۱: پیشینه تحقیقات داخل و خارج از ایران با تاکید بر یافته اصلی

منبع	نویسندگان	سال	یافته اصلی تحقیق
تحقیقات داخل ایران	سراج‌زاده و همکاران	۱۳۸۳	رابطه منفی معنادار بین مدارا با مسائل جنسی، جرم و ارتباط با غیرمسلمان‌ها
	قانع‌راد و حسینی	۱۳۸۴	رابطه مثبت بین ارزش‌های فرامادی و مشارکت اجتماعی
	چلبی و امیرکافی	۱۳۸۵	رابطه مثبت معنادار بین تمایل به پیوستن به انجمن‌های داوطلبانه با تقویت مدارای اجتماعی
	آریان‌پور	۱۳۸۷	رابطه مثبت معنادار بین ساختار سازمانی سمن‌ها و عملکرد آنها با تقویت انسجام و یکپارچگی گروهی
	ترکانی	۱۳۸۸	مدارای قومیتی و مدارا در رفتار با مجرمان متوسط رو به بالا، مدارای جنسیتی، محلی و عقیدتی در سطح متوسط و مدارای جنسی و سازمانی در حد پایین می‌باشند
	شارع‌پور و همکاران	۱۳۸۸	چهار متغیر اعتماد نهادی، سن، شبکه‌های غیررسمی سیاسی و سرمایه اجتماعی انحصاری و ارتباطی، مهم‌ترین تبیین‌کننده‌های مدارای اجتماعی در میان دانشجویان
	جهانگیری و افراسیابی	۱۳۹۰	رابطه معنادار بین روابط اجتماعی و فعالیت‌های مدنی اعضای خانواده با میزان حاکمیت مدارا در فضای خانواده‌ها که سبب کاهش انحرافات اجتماعی و ترک خانه اعضا می‌گردد
	رستگار	۱۳۹۱	رابطه معنادار بین متغیرهای قومیت، جامعه‌پذیری قومی، قوم‌مداری و سرمایه فرهنگی با مدارای اجتماعی
	گلایی و رضایی	۱۳۹۲	همبستگی مستقیم معنی‌دار بین میزان مدارای اجتماعی با مشارکت اجتماعی
	موسوی و همکاران	۱۳۹۲	وجود رابطه معنادار بین احساس امنیت، اعتماد اجتماعی و شبکه روابط درون‌گروهی با مدارای اجتماعی
	قاضی‌نژاد و همکاران	۱۳۹۴	رابطه معکوس بین مدارای اجتماعی و فاصله اجتماعی بین مسلمانان و غیرمسلمانان
	حسین‌زاده و همکاران	۱۳۹۵	رابطه معنادار بین سرمایه فرهنگی و ابعاد آن با مدارای اجتماعی (رفتاری)
	جهانگیری و همکاران	۱۳۹۵	رابطه معنادار بین مشارکت اجتماعی، تعهد اجتماعی، آگاهی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مصرف رسانه‌ای، فرایض مذهبی، عضویت در تشکل‌ها، سن و مقطع تحصیلی با مدارای سیاسی
قادرزاده و نصراللهی	۱۳۹۸	شدت یافتن جهت‌گیری قومی و دینی پاسخ‌گویان سبب کاهش مدارای اجتماعی می‌شود	
بهیان و همکاران	۱۳۹۸	رابطه معنادار بین متغیرهای احساس امنیت، اعتماد و پیوند اجتماعی با مدارای اجتماعی	
تحقیقات خارج از ایران	ولیک و سله ^۱	۲۰۰۲	نقش انجمن‌های داوطلبی در شکل‌دهی به سرمایه اجتماعی بین اعضای فعال و غیرفعال ناچیز و بی‌اهمیت است
	کُلدینسکی و همکاران ^۲	۲۰۰۶	افزایش سطح سرمایه اجتماعی به سبب داوطلب بودن در سازمان‌های مدنی کم است
	کوت و اریکسون	۲۰۰۹	مشارکت در سازمان‌ها و انجمن‌های داوطلبانه موجب ایجاد مدارا بین شهروندان کانادایی و مهاجرین و اقلیت‌های قومی می‌شود
	تنی و هانکویت ^۳	۲۰۱۲	پایگاه اقتصادی-اجتماعی و قومیت با سرمایه اجتماعی رابطه معناداری دارند
	هاستینکس و همکاران ^۴	۲۰۱۳	حمایت مالی گونه متمایزی از مشارکت است و قوی‌ترین اتصال را با سرمایه اجتماعی حاصل می‌کند
	گرین اسپان ^۵	۲۰۱۴	سازمان‌های غیردولتی از انواع مختلف سرمایه برای تاثیرگذاری بر ادراک عمومی و دسترسی به تصمیم‌گیری عموم استفاده می‌کنند
	وایز و دریسکل ^۶	۲۰۱۷	مدارا در افرادی که مشارکت مدنی (فعالیت داوطلبانه) و تعامل اجتماعی دارند، افزایش می‌یابد
پیرو ^۷ و همکاران	۲۰۱۹	هر دو نمونه جوانان اقلیت قومی و غیر اقلیت سطح مساوی از مدارا با نکتور و تنوع را نشان دادند.	

1. Dag wollebeak, per selle
2. Jane Kolodinsky et al.
3. Celine Teney, Laurie Hanquinet
4. Lesley Hustinx et al.
5. Greenspan
6. Jasmine Wise & Robyn Driskell
7. Melissa Pearrow

نکته قابل تامل در زمینه ادبیات پژوهشی موجود پیرامون موضوع مقاله حاضر آن است که علی‌رغم وجود مبانی نظری و هم‌چنین آزمون رابطه بین سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی، تحقیقات ارائه شده هیچ‌کدام به شکل اختصاصی نمونه آماری خود را از میان اعضای سمن‌های فعال انتخاب نکرده‌اند. با توجه به این‌که حضور در فعالیت‌های مدنی در قالب گروه‌های متنوع یکی از اصلی‌ترین منابع سرمایه اجتماعی می‌باشد، لذا در پژوهش حاضر به دنبال آن هستیم که به شکلی ویژه میزان سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی را در میان اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد با تاکید بر جوانان مطالعه نماییم.

چارچوب نظری پژوهش

زیستن در جهانی چندفرهنگی که بنیاد اساسی آن مبتنی بر احترام به تفاوت‌ها بنا شده است، بدون پرداختن به مفهوم مدارای اجتماعی ناممکن می‌نماید. در ارتباط با ایران که همواره به عنوان کشوری مشتمل بر قومیت‌های مختلف شناخته شده است و اکنون جمعیت فعال آن را به شکل حداکثری، جوانان جوایب موفقیت و نام‌تشکیل می‌دهند، می‌توان گفت که اصل بنیادین زندگی اجتماعی بدون تعامل فرهنگ‌های مختلف موجود در آن با برجسته‌سازی مدارا در ابعاد اجتماعی، اخلاقی و سیاسی اگر نگوئیم ناشدنی که چالش برانگیز خواهد بود.

در مورد سرمایه اجتماعی و مدارا می‌توان به دیدگاه پاتنام درباره عناصر سرمایه اجتماعی رجوع کرد که با برجسته‌سازی الزامات اخلاقی، هنجارها، ارزش‌های اجتماعی (به ویژه اعتماد) و شبکه اجتماعی (به ویژه انجمن‌های داوطلبانه) آن را تحقیق‌پذیر می‌نماید. وی دو بُعد را برای سرمایه اجتماعی از هم تمیز می‌دهد: سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (غیررسمی/محدود) که ارتباط با دوستان، همکاران، همسایه‌ها و افراد نزدیک به شخص را در بر می‌گیرد و سرمایه اجتماعی برون‌گروهی (رسمی/تعمیم یافته) که عضویت در سمن‌ها، شبکه‌های اجتماعی و انجمن‌ها را در بر می‌گیرد (پاتنام به نقل از ایمان و روحانی، ۱۳۹۲: ۴۸). اما تمرکز اصلی پاتنام بر تأثیرات درونی سرمایه اجتماعی است و آن را عامل شکل‌گیری ویژگی‌های نگرشی و رفتاری معطوف به اجتماع در افراد می‌داند که به شکل درونی روحیه جمعی، عادات همکاری و مهارت‌های عملی لازم برای شرکت در زندگی جمعی را در کنشگران اجتماعی بارگذاری می‌نماید. پاتنام تاکید می‌کند که سرمایه اجتماعی همچنان که عادات دموکراتیک را القا می‌نماید، فرصتی مناسب برای یادگیری سنجایی مدنی از قبیل مدارا نیز می‌باشد (شارع‌پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۱). در این فرآیند سرمایه اجتماعی برون‌گروهی که ارتباطات شبکه‌ای با بدنه اجتماعات را توصیف می‌کند، نقش کلیدی دارد. این بُعد از سرمایه اجتماعی ما را به خارج از گروه صمیمی مان متصل می‌کند و سبب تعاملات وسیع‌تری می‌شود که امکان آشنایی افراد با هویت‌ها، فرهنگ‌ها، ارزش‌ها، سبک‌های زندگی و اندیشه‌های متفاوت را فراهم می‌آورد و می‌تواند با تقویت مدارای اجتماعی امکان همزیستی مسالمت‌آمیز را در جامعه ایجاد کند (همان: ۷۳). در واقع کنشگران اجتماعی مجهز شده به سرمایه اجتماعی تفاوت‌ها را نه تنها منبع تضاد درک نمی‌کنند، بلکه تنوع و گوناگونی فرهنگی را منبعی ارزشمند برای پویایی جامعه قلمداد خواهند کرد.

بنابراین به زعم وگت^۱ می‌توان گفت که «مدارا»، اساسی‌ترین ضرورت برای نگهداری جامعه مدنی است. وگت در مدل نظری خویش سه وجه برای مدارا قائل شده است: مدارای سیاسی، مدارای اخلاقی و مداری اجتماعی. البته وگت تأکید می‌کند که این ابعاد دارای هم‌پوشانی معنایی و عملیاتی می‌باشند.

در این مدل، مفهوم مدارای سیاسی، بیانگر مدارا در فضای عمومی با تأکید بر احترام به آزادی‌های مدنی^۲ سایر اعضا و گروه‌هاست. می‌توان این‌گونه نیز گفت که مدارای سیاسی به خودداری ارادی از مواجهه خصمانه با کنش سیاسی افراد در فضای عمومی جامعه اطلاق می‌شود.

وگت برای تعریف مدارای اخلاقی، بر تفاوت میان مدارای سیاسی و اخلاقی با تأکید بر قراردادهای اجتماعی حقوق شهروندی تمرکز نموده است. منظور از قرارداد اجتماعی در این جا، توافق میان شهروندانی است که نسبت به سهمیه‌های مختلف برای ساختن «خیر عمومی»^۳ در مواجهه با آزادی کامل افراد برای دنبال کردن زندگی مورد علاقه‌شان، مدارا می‌کنند. بدین ترتیب مدارای سیاسی در پی ایجاد خیر عمومی عملیاتی می‌شود و مدارای اخلاقی، نسبت به افراد و گروه‌هایی که خارج از فضای خیر عمومی، به دنبال ایجاد زندگی خوب برای خود هستند عملیاتی می‌گردد. اما مدارای اجتماعی به زعم وگت، مدارا نسبت به حالت‌های مختلف انسان بودن قلمداد شده است که شامل ویژگی‌های ژنتیکی (رنگ پوست، جنس، ...) و ویژگی‌هایی اکتسابی - اجتماعی می‌باشد (فلیس و کولسنت به نقل از شارع پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۷-۷۸). در بیانی کلی، وگت بر این باور است که مدارا شامل پذیرش و به رسمیت شناختن وجود تفاوت‌ها در میان افراد جامعه و هم‌زمان حمایت از حقوق و آزادی‌های کنشگران اجتماعی است.

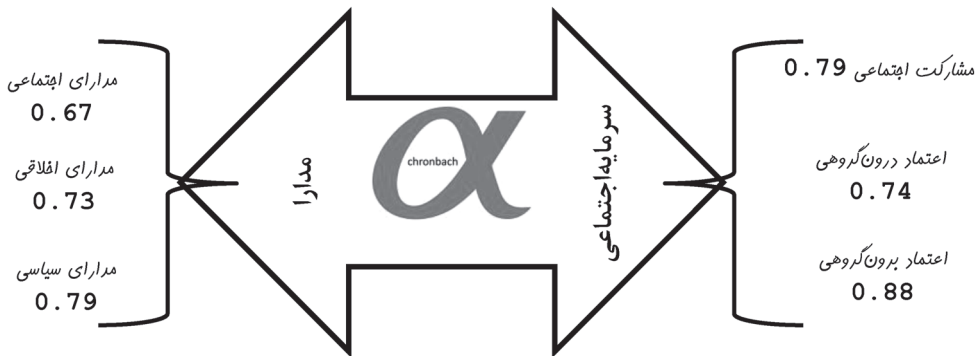
بر مبنای چارچوب نظری ارائه شده در پژوهش حاضر، رابطه بین سرمایه اجتماعی به عنوان منبع برجسته‌سازی الزامات اخلاقی، هنجارها، ارزش‌های اجتماعی (به ویژه اعتماد) و شبکه اجتماعی (به ویژه انجمن‌های داوطلبانه) را با «مدارا» به عنوان اساسی‌ترین ضرورت برای نگهداری جامعه مدنی در ابعاد اجتماعی، اخلاقی و سیاسی مورد بررسی و آزمون قرار داده‌ایم.

روش شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر ذیل رویکرد کمی از روش پیمایش اجتماعی استفاده شده است که در پارادایم اثباتی، روشی رایج در رجوع به واقعیت اجتماعی است (ساعی، ۱۳۸۷: ۱۳۳) و می‌توان یافته‌های آن را با کمترین خطای آماری ممکن به جامعه مورد مطالعه تعمیم داد (گیدنز، ۱۳۸۶: ۷۲۸). در این شیوه، بنیان پژوهش مبتنی بر آزمون نظریه می‌باشد و لذا نیازمند آن هستیم تا قبل از ورود به واقعیت برای گردآوری اطلاعات، بین سطح نظری و تجربی پلی ایجاد کنیم که این پل همان تعریف مفهومی متغیرهای مورد سنجش تحقیق است (ساعی، ۱۳۸۷: ۷۵-۷۴). سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر مستقل در پژوهش حاضر با استفاده از مقیاس وولکاک و نارایان (غفاری و انق، ۱۳۸۵: ۱۶۶) در سه بعد سرمایه اجتماعی محدود یا درون‌گروهی، سرمایه

1. Vogt
2. Civil Liberties
3. Common Good

اجتماعی اتصالی یا برون‌گروهی و شبکه اجتماعی ارتباطی (مشارکت اجتماعی) سنجیده شده است. متغیر مدارا نیز با استفاده از مقیاس جهانگیری و عزیزاده (۱۳۹۳) در سه بُعد مدارای اجتماعی، مدارای اخلاقی- رفتاری و مدارای سیاسی مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های مورد سنجش در شکل ۱ تصویر شده‌اند:



با توجه به نقش جوانان در آینده کشور و اینکه در حال حاضر اکثریت جمعیت فعال جامعه را جوانان تشکیل می‌دهند و در راستای تحدید قلمرو تحقیق حاضر، کلیه سمن‌های فعال شهر شیراز که دارای اعتبارنامه از سوی اداره کل ورزش و جوانان استان فارس بودند به عنوان جامعه آماری انتخاب شدند. فهرست اداره کل ورزش و جوانان شامل ۵۴ سمن ثبت شده بود که با پی‌گیری نزدیک به ۴۰ سمن فعال شناسایی و سمن‌های غیرفعال کنار گذاشته شدند. از آن‌جا که تعداد اعضای ثابت و فعال سمن‌ها علیرغم وجود فهرست، با توجه به اظهارات مسئولان نامتعیین بود، مبنای تعداد کل جمعیت آماری طی تماس با سمن‌ها حدود ۹۳۰ نفر شمارش شد. بر این مبنای اساس فرمول کوکران و با پذیرش فرض برابر بودن جامعه در ارتباط با نسبت برخورداری از صفت مورد بررسی با عدم آن، تعداد ۲۷۲ نفر تعیین شد. نکته قابل تامل در هنگام جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز با ابزار پرسش‌نامه، وجود نوعی مقاومت در همکاری با پژوهشگر بود. علیرغم توضیحات کامل به شکل حضوری و بی‌نام بودن پرسش‌نامه‌ها، نوعی اضطراب و بی‌اعتمادی نسبت به فضای علمی پژوهش در تعامل اعضای سمن‌ها با پژوهشگر به شکل ملموسی قابل تشخیص بود. در مواردی حتی با ارائه انواع پیشنهادات در مورد نحوه همکاری و برگزاری جلسه توضیحی پیرامون اهداف پژوهش باز هم اعضای جامعه آماری حاضر به همکاری نبودند. این خود می‌تواند به عنوان یک یافته کیفی در تحقیق حاضر لحاظ شود که حاکی از وجود نوعی تعامل گسسته بین نهادی و البته بین فردی در جامعه می‌باشد که با توجه به جامعه آماری تحقیق حاضر (جوانان عضو سمن‌ها) خود یک ایده قابل پژوهش با رویکردی کیفی است و می‌تواند ابعاد نهان تجربه زیسته این کنشگران اجتماعی را در ارتباط با سرمایه اجتماعی مورد کاوش قرار دهد.

با توجه به محدودیت‌های یاد شده، برای تکمیل پرسش‌نامه‌ها به تمامی سمن‌های فهرست شده مراجعه

گردید که در نهایت حدود ۲۹۰ پرسش نامه تکمیل شده دریافت گردید. پس از ارزیابی پرسش نامه ها و حذف پرسش نامه های مخدوش، در نهایت ۲۵۸ پرسش نامه برای ورود به نرم افزار SPSS مبنای تحلیل قرار گرفتند.

یافته های پژوهش

در ابتدا برخی از ویژگی های جمعیت شناختی نمونه مورد مطالعه ارائه می شود. در این تحقیق به لحاظ جنس، ۶۲ درصد زنان و ۳۸ درصد مردان به پرسشنامه پاسخ دادند و این حاکی از تعهد بالاتر زنان فعال در سمن ها نسبت به پاسخگویی می باشد که می توان آن را نوعی مشارکت اجتماعی فعال تلقی نمود. همچنین به لحاظ تحصیلات، از میان نمونه مورد مطالعه ۲۳ درصد دیپلم، ۱۲ درصد فوق دیپلم، حدود ۴۴ درصد لیسانس، ۱۷/۵ درصد فوق لیسانس و ۳/۵ درصد دکترا بوده اند که به وضوح مشخص است که تحصیلات دانشگاهی متغیر برجسته ای در اعضای سمن های شهر شیراز می باشد. از نظر اشتغال نیز ۵۳ درصد پاسخگویان خود را شاغل، ۳۱ درصد غیر شاغل و حدود ۱۶ درصد خویش را مشغول به تحصیل معرفی کرده اند.

در ادامه جدول ۲ اطلاعات توصیفی مرتبط با متغیرهای مورد سنجش را ارائه می کند. با توجه به جدول مشاهده می کنیم که تمامی متغیرها به جز اعتماد درون گروهی دارای میانگین تجربی کمتری از میانگین نظری مورد انتظار بوده اند. عدم اعتماد برون گروهی، کم رنگ بودن مشارکت در انجمن های فرهنگی، هنری و مذهبی و همچنین سطح پایین مدارا در هر سه بُعد آن به عنوان یک یافته توصیفی با توجه به نمونه مورد مطالعه از اهمیت تحلیلی قابل تاملی برخوردار است.

جدول ۲: مقادیر توصیفی ابعاد سرمایه اجتماعی و مدارا

Std. Deviation	میانگین تجربی	میانگین نظری	ماکزیمم	مینیمم	
۶/۲۹	۲۰/۵۴	۲۴	۴۰	۹	مشارکت اجتماعی
۵/۶۷	۳۶/۳۵	۳۰	۵۰	۱۹	اعتماد درون گروهی
۷/۷۲	۲۴/۳۹	۳۰	۵۰	۱۰	اعتماد برون گروهی
۳/۸۴	۱۶/۸۸	۲۱	۲۹	۷	مدارای اخلاقی
۶/۰۵	۲۴/۵۳	۳۳	۴۲	۱۱	مدارای اجتماعی
۵/۳۱	۱۷/۴۱	۲۴	۳۲	۸	مدارای سیاسی

با توجه به چارچوب نظری ارائه شده، انتظار می رود تا همبستگی احتمالی مثبتی میان مولفه های سرمایه اجتماعی و ابعاد مدارا مشاهده شود و این بدین معناست که فعالان سمن ها به شکل خاص باید از میزان متوسط رو به بالایی در موارد یاد شده برخوردار باشند، در حالی که نتایج توصیفی عکس این فرضیه احتمالی مطرح شده را نمایش می دهد. البته این یافته نیازمند پژوهشی اکتشافی با تقدم استفاده از رویکردی کیفی است و می تواند به عنوان یک پیشنهاد پژوهشی مورد نظر محققان قرار گیرد.

آزمون فرضیه‌ها

جدول ۳ نتایج آزمون فرضیه اول (بین مشارکت اجتماعی با ابعاد مدارا در اعضای سمن‌ها رابطه وجود دارد)، را نشان می‌دهد. همچنان که از نتایج جدول به وضوح قابل استنتاج است، مشارکت اجتماعی که شامل شرکت در انجمن‌ها و گروه‌های فرهنگی، هنری، مذهبی، علمی، خیریه‌ها و ... می‌باشد، با هیچ‌کدام از ابعاد مدارا رابطه معناداری ندارد. البته با توجه به جدول ۲ می‌توان فقدان تعاملات گروهی را که با توجه به میانگین این متغیر حاصل شده است، دلیلی بر این عدم رابطه یافت. در واقع با توجه به برخی مطالعات انجام شده همچون شیاری و فرهنگی (۱۳۹۸)، ذوالفقاری و همکاران (۱۳۹۶)، بیات و همکاران (۱۳۹۵) و ملک‌زاده و هاشمی (۱۳۹۵)، در جامعه ایرانی انجمن‌ها در دهه‌های اخیر به واسطه برخی مناسبات سیاسی و امنیتی محدود و از مرکز پویایی جامعه به حاشیه سوق داده شده‌اند و این می‌تواند تبیینی بر نتایج حاصل از این فرضیه باشد.

جدول ۳: آزمون همبستگی پیرسون بین مشارکت اجتماعی و ابعاد مدارا

مدارای اخلاقی	مدارای اجتماعی	مدارای سیاسی	مدارای کل		
r	۰/۱۲۴	۰/۱۲۲	۰/۰۸۱	مشارکت اجتماعی	
Sig	۰/۱۶۷	۰/۰۸۰	۰/۲۴۸		

جدول ۴ دربردارنده نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم (بین اعتماد درون گروهی و ابعاد مدارا در میان اعضای سمن‌ها رابطه وجود دارد) است. همچنان که از مقادیر سطوح معناداری درج شده در جدول قابل مشاهده است، تمامی ابعاد مدارای اخلاقی و مدارای سیاسی در سطح ۹۵ درصد اطمینان آماری و مدارای اجتماعی در سطح ۹۹ درصد با اعتماد درون گروهی دارای رابطه معنادار هستند. نکته قابل تامل این جدول، علامت منفی ضریب همبستگی پیرسون می‌باشد که حاکی از رابطه معکوس بین مدارا و اعتماد درون گروهی است. این یافته بیان می‌کند که جامعه ایرانی درای شکاف‌های هویتی می‌باشد و باید به عنوان یک مسئله اجتماعی به آنها ورود نمود که می‌تواند در امتدادی از سطح میانه به کلان تایید کننده دغدغه‌های تضعیف انسجام ملی باشد که بسیاری از تحقیقات بر آن صحنه گذاشته‌اند، مانند پژوهش محمدی‌ایرانلو و همکاران (۱۳۹۸)، جمشیدی‌ها و زمانی (۱۳۹۸)، قادرزاده و محمدزاده (۱۳۹۷)، بلالی و محبی (۱۳۹۷)، بابایی و سلطانی (۱۳۹۶)، نیازی و همکاران (۱۳۹۶).

جدول ۴: آزمون همبستگی پیرسون بین اعتماد درون گروهی و ابعاد مدارا

مدارای اخلاقی	مدارای اجتماعی	مدارای سیاسی	مدارای کل		
r	** -۰/۲۰۲	* -۰/۱۵۷	** -۰/۲۱۴	اعتماد درون گروهی	
Sig	۰/۰۲۹	۰/۰۱۱	۰/۰۰۲		

داده‌های ثبت شده در جدول ۵ از وجود رابطه معنادار و مثبت بین مدارای اجتماعی و مدارای سیاسی با اعتماد برون‌گروهی به عنوان فرضیه سوم حکایت دارد. این یافته همسو با نظریه‌های سرمایه اجتماعی و به عنوان یکی از مولفه‌های مهم آن همچون بوردیو (۱۹۹۲)، کلمن (۱۳۷۷)، پاتنام (۱۳۸۰)، فکوهی (۱۳۸۴)، فوکویاما (۱۳۸۵)، شارع‌پور (۱۳۸۵)، رنالی و معیدفر (۱۳۹۴)، بیانگر این واقعیت است که اعتماد به نهادها و سازمان‌های رسمی سبب تقویت روحیه مدارا در جامعه می‌شود و همچنان که در ستون آخر جدول ۴ قابل مشاهده است، همبستگی مثبت (۰/۲۷۴) و معناداری (۰/۰۰۰) با خطای آماری کمتر از یک درصد میان اعتماد برون‌گروهی و مدارا وجود دارد.

جدول ۵: آزمون همبستگی پیرسون بین اعتماد برون‌گروهی و ابعاد مدارا

مدارای اخلاقی	مدارای اجتماعی	مدارای سیاسی	مدارای کل	اعتماد برون‌گروهی	
۰/۱۲۲	۰/۲۷۳	۰/۲۵۹	۰/۲۷۴		
۰/۰۷۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	Sig	

۴۳

نتایج آزمون فرضیه چهارم که بیانگر وجود رابطه بین سرمایه اجتماعی و مدارا بوده است در جدول ۶ ثبت شده است. همان گونه که در قسمت معناداری آزمون‌ها مشاهده می‌شود، هیچ کدام از ابعاد مدارا و به تبع آن مدارای کل با متغیر سرمایه اجتماعی که شامل سه مولفه مشارکت، اعتماد برون‌گروهی و اعتماد درون‌گروهی می‌باشد، دارای رابطه معنادار نیستند. برای تبیین این یافته هر چند نیازمند انجام پژوهش‌های تکمیلی به ویژه با رویکردی کیفی هستیم، اما با توجه به مطالب پیشین و استفاده از تجربه زیسته می‌توان گفت که عدم توسعه یافتگی بستر اجتماعی در میان محدودیت‌های ساختاری و امنیتی برای فعالیت سمن‌ها، نوعی از بی‌اعتمادی را در میان اعضای آنها در تعامل با سازمان‌های رسمی و نهادهای اجتماعی به ویژه دولت و مذهب پدید آورده است و این امر سبب شده تا ارتباط معنادار نظری متصور بین سرمایه اجتماعی و مدارا در جامعه آماری مطالعه حاضر علیرغم نظریه‌های موجود تایید نشود.

جدول ۶: آزمون همبستگی پیرسون بین سرمایه اجتماعی و ابعاد مدارا

مدارای اخلاقی	مدارای اجتماعی	مدارای سیاسی	مدارای کل	سرمایه اجتماعی	
-۰/۰۴۰	۰/۱۳۲	۰/۱۳۳	۰/۱۰۶		
۰/۰۷۱	۰/۰۵۸	۰/۰۵۵	۰/۱۲۸	Sig	

بحث و نتیجه‌گیری

تمرکز بر نهادهای مدنی و سمن‌ها در ارتباط با سرمایه اجتماعی، یکی از مهمترین مباحث نظری در انتقال

جوامع به سمت دموکراسی است (زُود، ۲۰۰۴: ۷۵-۷۶) که می‌تواند سبب توسعه مدارا در ابعاد مختلف آن در جامعه گردد و این مهم در ارتباط مفهومی بین فعالیت‌های داوطلبانه و مدارا قابل استدلال است (لتو مورالز، ۲۰۲۰: ۳۶۱-۳۶۰). البته با توجه به نظریه پاتنام که در چارچوب نظری طرح شد، در بر ساخت مدارا در یک جامعه، سرمایه اجتماعی برون گروهی که ارتباطات شبکه‌ای با بدنه اجتماعات را توصیف می‌کند نقش کلیدی دارد؛ اما یافته‌های تحقیق حاضر به وضوح نشان دادند که سرمایه اجتماعی مشارکت‌کنندگان در سمن‌های شهر شیراز با ابعاد مدارای اجتماعی از رابطه معناداری برخوردار نیست. این یافته مرکزی با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه سرمایه اجتماعی، شکاف‌های قومیتی، نابرابری‌های سیاسی و اجتماعی که در ارتباط با فرضیه‌های تحقیق به آنها اشاره شد و همگی حاکی از روند نزولی اعتماد اجتماعی، تشدید شکاف‌های قومیتی و رشد نابرابری‌های اجتماعی در ایران بودند، قابل تبیین است. در واقع رشد اعتماد درون گروهی و زوال اعتماد برون گروهی با برجستگی متغیر مشارکت اجتماعی پایین سبب شده است تا فعالان سمن‌ها نه تنها از افزایش سرمایه اجتماعی برخوردار نشوند، بلکه به وضوح مدارای اجتماعی در میان آنها در سطح متوسط رو به پایین قرار گیرد.

به عنوان پیشنهادی پژوهشی می‌توان گفت که تبیین عمیق این یافته نیازمند پژوهشی کیفی جهت واکاوی دلایل چنین پیامدی در جامعه مدنی ایران است که با توجه به تاریخ اجتماعی و وضعیت ژئوپولیتیکی ایران در منطقه ضرورتی اجتناب ناپذیر را می‌نمایاند.

منابع

- آریان پور، لیلا. (۱۳۸۷). «تبیین نقش سازمان‌های غیردولتی جوانان به عنوان حاملان اصلی سرمایه اجتماعی در توسعه اجتماعی». پژوهش‌نامه علوم اجتماعی. شماره ۳، صص ۱۵۳-۱۷۴.
- ایمان، محمدتقی و روحانی، علی. (۱۳۹۲). «بررسی رابطه بین هویت ملی و سرمایه اجتماعی (بررسی موردی: دانشجویان دانشگاه شیراز)». فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شوشتر، سال هفتم، شماره ۲۲، صص ۳۷-۶۲.
- بابایی، سعید و سلطانی، مسعود. (۱۳۹۶). «واکاوی چالش‌های محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر امنیت محیطی کشور با تأکید بر روحیه تجزیه طلبی قومیت‌ها در جدار مرزها». پژوهش‌نامه مطالعات مرزی. دوره ۵ (۱)، صص ۱۳۳-۱۶۶.
- بلالی، اسماعیل و محبی، فاطمه. (۱۳۹۷). «چالش‌های نظام آموزش عالی در موضوع قومیت و راهبردهای سیاست‌گذاری». فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ایران. دوره ۷ (۳)، صص ۵۵۳-۵۵۷.
- بهشتی، سید صمد و رستگار، یاسر. (۱۳۹۱). «تبیین جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی و ابعاد آن در بین اقوام ایرانی». مسائل اجتماعی ایران. شماره ۲، صص ۷-۳۵.
- بهیان، شاپور؛ دومهری، مصطفی و جهانبخش، اسماعیل. (۱۳۹۸). «مطالعه رابطه بین سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان ۱۵ تا ۴۴ سال استان مازندران)». فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ-ارتباطات، سال بیستم، شماره ۴۷، صص ۱۴۱-۱۶۴.
- بیات کمیتیکی، مهناز؛ بالوی، مهدی و عسگرزاده مزرعه، رقیه. (۱۳۹۵). «حقوق بر شهروندی، گذار از وضع طبیعی به سوی جامعه مدنی». فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب. ۳ (۲)، صص ۲۱-۴۴.
- ترکارانی، مجتبی. (۱۳۸۸). «بررسی و سنجش وضعیت مدارای اجتماعی در لرستان». جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران (تحقیقات علوم اجتماعی ایران). شماره ۳، صص ۱۳۳-۱۵۷.
- جمشیدی‌ها، غلام‌رضا و زمانی، طویی. (۱۳۹۸). «آسیب‌شناسی گفتمان رسانه‌ای در حوزه قومیت؛ تبعیض‌های ادراک شده». فصلنامه امنیت ملی، دوره ۹ (۱)، صص ۱۴۱-۱۷۲.
- جهانگیری، جهانگیر و افراسیابی، حسین. (۱۳۹۰). «مطالعه خانواده‌های شهر شیراز در زمینه عوامل و پیامدهای مدارای جامعه‌شناسی کاربردی». شماره ۳، صص ۱۵۳-۱۷۵.
- جهانگیری، جهانگیر؛ سردارنیا، خلیل‌اله و علیزاده، قاسم. (۱۳۹۵). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با مدارای سیاسی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه شیراز)». فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق). شماره ۳، صص ۶۷-۸۲.
- چلبی، مسعود و امیرکافی، مهدی. (۱۳۸۳). «تحلیل چند سطحی انزوای اجتماعی». جامعه‌شناسی ایران ۲، صص ۳-۳۱.
- حسین‌زاده، علی حسین؛ زالی‌زاده، مسعود و زالی‌زاده، محسن. (۱۳۹۴). «بررسی جامعه‌شناختی ابعاد مدارای اجتماعی با تأکید بر ویژگی‌های شخصیتی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز)». جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۴، صص ۱۴۹-۱۶۴.
- ذوالفقاری، ابوالفضل؛ صابردمرچی، حسین و باقری‌بنجار، عبدالرضا. (۱۳۹۶). «بازنمایی جامعه مدنی در مطبوعات، تحلیل گفتمان جامعه مدنی در دوره ۱۳۸۸-۱۳۹۳». مجله جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی. ۴ (۹)، صص ۴۳-۷۷.
- روشنفکر، پیام و ذکایی، محمد سعید. (۱۳۸۵). «جوانان، سرمایه اجتماعی و رفتارهای داوطلبانه». رفاه اجتماعی، شماره ۲۳، صص ۱۱۳-۱۴۶.
- سراج‌زاده، سیدحسین؛ شریعتی‌مزنبتانی، سارا و صابر، سیروس. (۱۳۸۳). «بررسی رابطه میزان دین‌داری و انواع آن با مدارای اجتماعی». نشریه مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد. دوره ۱، شماره ۴، صص ۱۰۹-۱۴۲.
- شارع‌پور، محمود؛ آزاد ارمکی، تقی و عسکری، علی. (۱۳۸۸). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با مدارای در بین دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبائی». جامعه‌شناسی ایران ۱، صص ۶۴-۹۸.

- شکری زاده، طاهره و جهانگیری، جهانگیر. (۱۳۸۷). «بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر عملکرد سازمان‌های غیردولتی زنان از دید اعضا در شیراز». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، شیراز، ایران.
- شکوری، علی. (۱۳۹۰). مشارکت‌های اجتماعی و سازمان‌های حمایتی (با تاکید بر ایران). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
- شیاری، علی و فرهنگی، محمدهدی. (۱۳۹۸). «تاثیر سیاست‌های دولت بر وقوع توسعه سیاسی و شکل‌گیری جامعه مدنی در ایران». مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی. ۲۳ (۴)، صص ۷۲۳-۷۴۴.
- علیزاده، قاسم و جهانگیری، جهانگیر. (۱۳۹۳). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با مدارای سیاسی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شیراز)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
- فقیهی، ابوالحسن و پاک‌طینت، اقبال. (۱۳۸۵). «عوامل مؤثر بر اثربخشی سازمان‌های غیر دولتی جوانان ایران و ارائه یک الگوی اثربخش». پژوهشگر، سال سوم، شماره ۸، صص ۱۵-۳۵.
- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۸۵). پایان‌نظم (بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن). غلام‌عباس توسلی. تهران: نشر حکایت قلم نوین
- فیروزچانیان، علی اصغر؛ شارع‌پور، محمود و فرزام، نازنین. (۱۳۹۵). «بررسی جامعه شناختی تاثیر سرمایه فرهنگی بر ارتباطات بین فردی با تاکید بر مدارای اجتماعی». مطالعات فرهنگ-ارتباطات. شماره ۳۵، صص ۷-۳۱.
- قادرزاده، امید و محمدزاده، حسین. (۱۳۹۷). «مطالعه پیمایشی هویت طلبی قومی و سیاسی شدن قومیت کردهای ایران». فصلنامه پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران. دوره ۷ (۱)، صص ۱۹-۴۲.
- قادرزاده، امید و نصرالهی، یوسف. (۱۳۹۸). «مدارای اجتماعی در جوامع چندفرهنگی: مطالعه پیمایشی اقوام شهر میاندوآب». مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. صص ۸۹-۱۳۳.
- قاضی نژاد، مریم و اکبرنیا، الهه سادات. (۱۳۹۶). «دینداری: مدارای اجتماعی یا فاصله اجتماعی (پیمایشی در میان مسلمانان و مسیحیان شهر تهران)». مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. شماره ۱، صص ۲۱-۴۰.
- قانع‌راد، محمدامین و حسینی، فریده. (۱۳۸۴). «ارزش‌ها، شبکه روابط و مشارکت در سازمان‌های غیردولتی (مطالعه تجربی در بین جوانان تهران)». مجله جامعه‌شناسی ایران. دوره ۶، صص ۹۷-۱۲۳.
- گلابی، فاطمه و رضایی، اکرم. (۱۳۹۲). «بررسی تاثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی در بین دانشجویان». مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. شماره ۱، صص ۶۱-۸۶.
- محمدی ایرانلو، علی؛ شاکری خونی، احسان و ظهیری، صمد. (۱۳۹۸). «جهانی شدن و مسئله قومیت‌ها در ایران (دوره جمهوری اسلامی)». فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی. دوره ۱۱ (۱)، صص ۲۲-۳۹.
- ملک‌زاده، امیر و هاشمی، سید محمد. (۱۳۹۵). «ویژگی‌های جامعه مدنی در ارتباط با تحقیقات پلیسی». فصلنامه دانش انتظامی. ۸ (۴)، صص ۸۵-۱۱۴.
- موسوی، یعقوب و شریفی، سمیرا. (۱۳۹۲). «سنجش مدارای اجتماعی و عوامل اجتماعی موثر بر آن در بین شهروندان ساکن تهران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا. دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی.
- نیازی، محسن؛ بهروزیان، بهروز؛ سخایی، ایوب و حسینی، سعید. (۱۳۹۶). «فراتحلیل رابطه بین طایفه‌گرایی و نزاع دسته‌جمعی با تاکید بر متغیر تعدیل‌گر قومیت». فصلنامه پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران. دوره ۶ (۳)، صص ۱-۱۶.
- Greenspan, I. (2014). "How can Bourdieu's theory of capital benefit the understanding of advocacy NGOs? Theoretical framework and empirical illustration". Nonprofit and Voluntary.
- Hustinx, L., Van den Bosch, D., & Delcour, C. (2013). "Money makes the world go around: Voluntary associations, financial support, and social capital in Belgium".

Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly, 42(6), 1176-1196.

- Isham, J., Kolodinsky, J., & Kimberly, G. (2006). **“The effects of volunteering for nonprofit organizations on social capital formation: Evidence from a statewide survey”**. Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly, 35(3), 367-383.
- Ito-Morales, K. (2020). **“SOCIAL TOLERANCE AND VOLUNTARY ACTIVITIES”**. Investigación Educativa e Inclusión, 360.
- Pearrow, M., Sander, J., & Jones, J. (2019). **“Comparing communities: The cultural characteristics of ethnic social capital”**. Education and Urban Society, 51(6), 739-755.
- Rohde, M. (2004). **“Find what binds. Building social capital in an Iranian NGO community system”**. Social capital and information technology, 75, 111.
- Teney, C., & Hanquinet, L. (2012). **“High political participation, high social capital? A relational analysis of youth social capital and political participation”**. Social science research, 41(5), 1213-1226.
- Wise, J., & Driskell, R. (2017). **“Tolerance Within Community: Does Social Capital Affect Tolerance?”** Social Indicators Research, 134(2), 607-629.
- Wollebaek, D., & Selle, P. (2002). **“Does participation in voluntary associations contribute to social capital? The impact of intensity, scope, and type”**. Nonprofit and voluntary sector quarterly, 31(1), 32-61.
- World Bank. (1995). **“Working with NGOs: A Practical Guide to Operational Collaboration between the World Bank and Non-Governmental Organizations”**. Operations Policy Department, World Bank.